

## ملاحظاتى چند درباره چيستى تدوين در تاريخ شفاهى

مسعود آتشگران

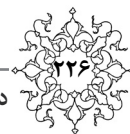
### چکیده:


چند دهه ممارست در توليد آثار تاريخى، داستانى و رمان در عرصه انقلاب اسلامى و دفاع مقدس که به ثبت و ضبط و اشاعه فرهنگ و ادبيات پايدارى منتهى شده است، ذهن پژوهشگران اين حوزه را بيش از پيش به ارتقاء كيفى آثار معطوف داشته است. اين مهم در توجه و جستار آگاهانه به مراحل نگارش ممکن مى شود که فرايند تدوين را با مصاحبه، گردآورى، تنظيم، تبويب و نگارش، درهم تنيده و بر اهميت مقوله تدوين افزوده است و ضرورت توجه به آن براى شکافتن وجوه پيچيده و تبیین حضور سلولى آن را در متن، دوچندان مى کند. اينکه ماهيت تدوين چيست و در ربط با چه مؤلفه هاى در توليد متن قرار دارد، شروع آن از کجا و دامنه اش تا چه محدوده اى امتداد مى يابد، از جمله مسائلى است که نگارنده مى کوشد با بهره گيرى از روش توصيف، به بازنمايى زوایای چندگانه تدوين و تحليل ملاحظات آن به آشکار کردن ابعدى از تدوين دست يابد و بر آگاهى ها در اين زمينه بيافزاید. در اين مقاله فرايند «تدوين» از مرحله ذهن دارنده و گيرنده خاطره ردیابی مى شود و در ادامه تا مراحل مختلف بالا و فنون تدوين در بازنويسى متن دنبال مى گردد.

### کلیدواژه ها:

تدوينگر، دایره مفهومی تدوين، تدوين پنهان، پيش تدوين، تدوين اوليه، تدوين مياني، تدوين تحرير.

دوفصلنامه تاريخ شفاهى، سال چهارم، شماره اول، شماره پيايى ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۲۲۶-۲۳۶





## ملاحظاتى چند درباره چيستى تدوين در تاريخ شفاهى

مسعود آتشگران<sup>۱</sup>

### مقدمه:

به طور معمول وقتى درصدد تدوين يك متن چارچوب مند هستيم، احتمالاً مسائل و مراحل گوناگون مربوط به نگارش يك اثر را از نظر گذرانده ايم، در اين مواقع سؤالات اصلى و فرعى متعددى در ذهن ما ايجاد خواهد شد كه پاسخ به آنها بنيان مقوله تدوين و روند آن را تشكيل مى دهند. چنان كه سؤال كلّى از چيستى تدوين در تاريخ شفاهى مى تواند به طرح اين مسئله بيانجامد كه امر تدوين يا در واقع الزامات امر نگارش در اين گونه آثار چيست و با چه مؤلفه هاى روبه رو خواهد شد؟ چگونه اعمال مى شود؟ از كجا شروع و تا چه مرحله اى ادامه مى يابد؟ اينجاست كه با بحث تدوين از درون و بيرون روبه رو مى شويم. در حوزه تدوين از بيرون، شيوه هاى نگارش مطرح است و تناسب آنها با موضوع، مضمون و محتوای اثر و بعد غرض و هدف نگارنده از انتخاب موضوع و چرایی در پيش گرفتن نوع روشى كه او در توليد اثر برگزيده است، پيش مى آيد.

همين طور انتخاب گونه ادبى يا تاريخى براى نگارش و دادن شكلى مستند، داستانى يا احتمالاً رمان براى متن در حال توليد، همگى نكاتى قابل تأمل بوده و پيامدهاى بر روند تدوين و ساخت پيكره متن خواهند گذاشت. اين امر نگارنده را با ميزان كارآمدى و كاركردهاى اثر درگير مى كند، اتفاقى كه بى ترديد در فزونى يا كاهش دايره مخاطبين تأثير خواهد گذاشت. افزون بر مؤلفه ظرف و مطروف، در مرتبه ديگر تدوين با مقوله پژوهش و ويراستارى متن مواجه هستيم كه خود داستان ديگرى است. از طرفى تدوين از درون در حوزه تاريخ شفاهى مسائل و پيچيدگى ويژه خود را دارد و در اين بخش سؤالات ديگرى مطرح است، اينكه تدوين يك اثر يا متن در چه مراحل و توسط چه افرادى صورت مى گيرد؟ آيا به مسئله اى به نام تدوين نامرئى در برابر تدوين آشكار توجه كرده ايم؟ چرا و چگونه پديده «پيش تدوين» از سوى فرد مصاحبه شونده اعمال مى شود؟ از مجموع اين موارد كداميك زير مجموعه تدوين از درون و كداميك تدوين از بيرون قلمداد مى گردند؟

۱. دكترای تخصصی تاریخ پژوهشگاه علوم  
انسانی و مطالعات فرهنگی؛  
masoud.a47@gmail.com



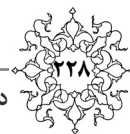
## معناشناسی و مفهوم‌شناسی

ابتدا چنین می‌نماید که برای اشراف بر چیستی مقوله «تدوین» و کارکرد آن، باید این واژه را در فرهنگ‌نامه‌ها جست‌وجو کرد، گرچه در فرهنگ‌نامه‌های کهن مانند «برهان قاطع» یا «فرهنگ غیاث‌اللغات»، توضیحی در این باره نیامده است، اما تدوین در لغت‌نامه دهخدا در معنای نوشتن، جمع نمودن، ترتیب‌دادن و فراهم‌آوردگی متن به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۵۷۴۱). برخی نیز آن را گردآوری و تنظیم معنا کرده‌اند (انوری، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷۱) و دیگر فرهنگ‌نامه‌هایی که در این باره سخن گفته‌اند، کم‌وبیش همان مواردی را که گفته شد، تکرار کرده‌اند (معین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۱۳؛ شمیم، ۱۳۴۳، ص ۱۸۰؛ نهرانی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۵). آن‌ها در یک نگاه کلی تدوین را با تألیف و تصنیف در معنای نوشتن کتاب و مرتب کردن آن یکی گرفته‌اند.

با تعمق در واژه و مفهوم «تدوین» به دریافت معنایی دال بر یک سازوکار می‌رسیم که فعالیتی فرایندی و دامنه‌دار را به ذهن تداعی می‌کند. بنابراین «تدوین» با واژه «ساخت» از این بابت همانندی دارد که به دو مؤلفه مواد اولیه و زنجیره‌ای از ساخت‌وساز دلالت می‌کند. در بستر ساخت‌وساز، آن قدر که گزینش، چینش و ترکیب وجود دارد، به قدر نیاز برش، حذف، جداسازی برای جابجایی، اتصال و سرهم کردن داستان واقعه کاربرد دارد تا فرایند تدریجی تدوین به شکل طبیعی تداوم یافته و اثری نظم‌یافته پدید آید.

به نظر نگارنده، تدوین در طبیعت خود ناظر بر ساختن و خلق کردن است که با یک طراحی از پیش تعیین شده و انگیزه مشخص به معنادار و هدف‌دار کردن متن مبادرت می‌ورزد و انتقال معنا صورت می‌گیرد، این اتفاق در یک فرایند به‌انجام می‌رسد. البته دکتر معین تلویحاً به این امر اشاره می‌کند، وی در توضیح واژه «تألیف» آن را به‌تصویر کردن یک پرده نقاشی تعبیر کرده است که در آن، مراحل انتخاب، چینش و به هم پیوستن مواد به طریقی که مجموعه‌ای کامل از آن حاصل آید (معین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۹۰)، احصا شده است. از این‌رو معین زیرکانه تألیف و تدوین را به شکل فرایندی بیان کرده است، چنان‌که می‌توان گفت اساساً فلسفه تدوین یا هدف از آن، خلق کردن اثری با ترکیبی موزون، سازگار و قوام‌یافته است. تامپسون نیز در «الفبای تدوین» بر این ادعا صحنه می‌گذارد، وی از قاب سینما، تدوین را متصل کردن تصاویر به یکدیگر و فرایند سرهم کردن کامل در یک فیلم می‌داند که نوعی انتقال با تغییر تدریجی صحنه‌ها در آن رخ می‌نماید (تامپسون، ۱۳۸۶، ص ۶ - ۳۶).

از این‌رو واژه تدوین با معناهای کلی که در فرهنگ لغات آمده، نه تنها انتظارات را برآورده نمی‌کند، بلکه تعاریف یادشده، این مفهوم را محدود کرده است، در واقع دایره مفهومی تدوین سلسله‌ای از روش‌ها و تکنیک‌ها با کارکردهای ویژه را در خود جای داده است و از طرفی گاه در تعاطی ذهن و روان انسان محاسبه‌گر کار ویژه‌ای به نام تدوین پنهان را مشاهده می‌کنیم که در



حد این مقاله توضیحاتی در مورد آن‌ها خواهد آمد. از همین‌روست که نویسندگان برای تألیف متون، با پیوستاری تحت‌عنوان کلی تدوین سروکار دارند که عدم‌توجه به هریک کار گردآوری، تنظیم، تبویب و نگارش را با انواع کژی، نواقص و معایب روبه‌رو خواهد ساخت.

### تدوین، زمان بروز و ظهور

با توجه به اهمیت تدوین و فرایند آن در نگارش متن تاریخ‌شفاهی، این سؤال مطرح است که اساساً نقطه عزیمت تدوین از کجاست؟ پاسخ به این پرسش بنیادی هنگامی همه‌جانبه است که ما با مفهوم تدوین از درون و بیرون آشنایی یابیم، اولی به حوزه تفسیر و دلایل مرتبط است و با انگیزه‌های آدمی پیوند خورده است که در این‌باره جلوتر مطالبی خواهد آمد؛ اما دومی در ربط با عینیت و حوزه علل بوده و به‌فراهم‌آمدن سازه‌های لازم اشاره دارد و نکته‌ای که در این قسمت با آن سروکار داریم، شروع تدوین از بیرون را نشانه گرفته است. باری، زمانی با تدوین یک اثر روبه‌رو می‌شویم که در برابر حجمی از اطلاعات و داده‌های درهم، ناموزون و نارسا قرار بگیریم که در آن می‌تواند مواد اولیه‌ای مانند اسناد، مدارک، منابع و مطالب به‌دست‌آمده از اظهارات شفاهی راویان و شاهدان عینی وجود داشته باشد. جدای از مسئله راستی یا جعل اسناد و صدق یا کذب احتمالی شفاهیات به‌دست‌آمده و راهکار راستی‌آزمایی مدارک و مطالب که خود بحث جداگانه‌ای می‌طلبید، باید دانست انبوه متن‌هایی که با آن روبه‌رو هستیم، تنها توده‌ای مادی شامل سطرها، خطوط، جملات، کلمات و واژگانی هم‌پایه نیست که مشاهده می‌کنیم. در واقع این اظهارات متنی شده، از اجزاء و عناصری غیرمادی متفاوت و متمایزی تشکیل شده که تدوینگر در فرایند تدوین با هریک از آن‌ها روبه‌رو است و بایستی درباره‌شان چاره‌اندیشی کرده و در نگارش متن نهائی راه تعادل ببیماید تا مقبول افتاده و دیده شود. اهم عناصر مادی و غیرمادی، کلامی و غیرکلامی مندرج در متون، به شرح ذیل است:

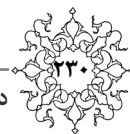
- داده‌های کلامی به‌مثابه اطلاعات پایه؛
- لحن، اطوار و حرکت‌های غیرکلامی؛
- زمینه تاریخی؛
- بافت روابط اجتماعی؛
- احساسات و عواطف منظومه‌ای کلامی و معنایی از نظام ارزشی، شامل اعتقادات دینی و مرام و مسلکی (انگاره‌های اجتماعی)؛
- نظام تبیینی حاصل از طرح علل و آشکارکننده رابطه علی مختوم به شناخت؛
- نظام تفهیمی حاصل از طرح دلایل و بیان تفاسیر منتهی به مفاهیم و معرفت‌یابی.



مطابق اجماع اهل نظر، داده‌های به‌دست‌آمده، اساس و بنیان هر تدوینی هستند و اجزاء و عناصر، جنس کار و موضوعات هر متن در کنار اقتضائات ساختاری آن، سازوکار تدوین و شیوه‌های نگارش متن در مراحل بعد را معین خواهد ساخت. تشخیص این امر از جانب تدوینگر، به شناخت وی از اجزاء و عناصر بالا، آشنایی با ویژگی‌های هریک و نحوه مواجهه با آن برمی‌گردد. در واقع هر چه سطح علمی و تجربی تدوینگر بالاتر باشد، اقدامات او در برابر عناصر نهفته در متن سنجیده‌تر بوده و متن تنظیم‌شده و ترتیب‌یافته، از منطبق علمی برخوردار خواهد بود. این مرحله از فعالیت تدوینگر مبتنی بر ارزیابی متن پیاده‌شده در تاریخ شفاهی، از مراتب مهم تدوینگر متن استحصالی است زیرا باید به هنگام بازنویسی متن، هریک از اجزاء و عناصر کلامی و غیرکلامی متن به کار آیند و بی‌دلیل حذف نشوند یا اگر حضورشان در متن بی‌مورد یا مخرب است، حذف شوند. هم‌چنین بایستی میان داده‌های پایه با عناصر کلامی ارزشی به هنگام نگارش، راه تعادل ایجاد شود، به‌خصوص که در خاطرات مردمی دوران دفاع مقدس، عناصر کلامی ارزشی و گاه ایدئولوژیکی به‌طور معمول رایج است و عدم‌مواظبت از این مسئله، خاصه در نگارش آثار جدی، بر سطح کیفی کار تأثیر سوء می‌گذارد. این مسئله موضوع بحث دیگری است و پرداخت به آن از حوصله این نوشتار خارج است.

### شیوه‌های نگارش در تاریخ شفاهی

نیک می‌دانیم یاد و خاطره از طریق گفت‌وگو و مصاحبه از حافظه دارنده خاطره جدا شده و با پیاده‌سازی، خاطرات شفاهی تبدیل به متن می‌شوند. برای نمونه متن خام به‌دست‌آمده از زندگی و تجربه‌زیسته یک مبارز دوران ستم‌شاهی که یک واقعیت به وقوع پیوسته است، برای نگارش نیازمند شیوه‌ای است که با ماهیت آن یعنی بیان واقعیت سازگاری داشته باشد. بنابراین به‌طور قطع برای تنظیم یک اثر مستند، ساختار طنز یا تخیل مناسب حال نیست چون واقعه را به امری مصنوع تقلیل می‌دهد؛ در اینجا ظرف و مضمون که ساخت واقعیت باشد با هم جور نیستند. اگر چه می‌توان در نگاشتن اثری مستند و تاریخی برای ایجاد جذابیت بیشتر و فزونی تعداد مخاطبان از شگردهای داستانی بهره برد، چنان‌که کریستوفر دویلگ در «تراژدی تنهائی» (دویلگ، ۱۳۹۵) با گزارش‌نویسی شخصیتی با خصلت توصیف و فضاسازی (کاموس، ۱۳۹۱، ص ۸۷ - ۸۹) از مبارزات سیاسی مرحوم مصدق، این کار را به شایستگی انجام داده است، به گونه‌ای که افزون بر گزارش رخداد به استناد منابع معتبر، با پژوهش و سنجش شرایط تاریخی دوره موردبحث، به توصیف فضا و نیز زمینه‌های شکل‌گیری وقایع می‌پردازد. هم‌چنین در این میان، گاه با ارائه اطلاعاتی از شخصیت و زندگی خصوصی مصدق، بر کشش و جذابیت اثر می‌افزاید و مخاطب را تا انتهای داستان وقایع؛ پای کتاب می‌نشانند.



همین‌طور در نگارش وقایع، مربوط به نبردهای میان نیروهای ایرانی و عراقی که به «عملیات» شهره‌اند، به هنگام استفاده از خاطرات شفاهی برای نگارش تاریخی، بایست ملاحظه ساختار واقع‌نویسی یا به تعبیر بهتر رعایت تاریخ و واقعیت را متعهدانه پاسداشت، طوری که گزارش رخداد با نظام ارزشی رایج میان رزمندگان طوری گره نخورد که متن حاصله را به بیانیه‌ای تبلیغی فرو کاهد و از کارکرد اصلی خود خارج گرداند. برای پرهیز از چنین خطاهایی است که ابتدا گونه‌های معمول نگارش در امر تدوین در حوزه تاریخ شفاهی به مثابه ظرف، بایستی با موضوع و محتوای پروژه، هم‌پا و هم‌سنگ بوده و به‌درستی انتخاب شود، هرچند در این میان خواسته‌ها و سلیقه‌ها سفارش‌دهندگان آثار مرتبط با حوزه تاریخ شفاهی مانند آنچه در نهادهای دولتی و حاکمیتی در جریان است را نیز باید در نظر داشت.

### استراتژی تدوین آثار، اهداف فرهنگی یا ثبت تاریخی

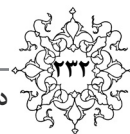
در حال حاضر پروژه‌های تاریخ شفاهی در ایران بیشتر از سوی مراکز حاکمیتی با اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت دنبال می‌شود، البته این امر مرتبط با رویکردها، روش‌ها، اهداف و جوهره خاطرات است. در تدوین آثار نگارش‌یافته در عرصه دفاع مقدس با محوریت خاطرات نیروهای مردمی، گونه‌ای از مردم‌نامه‌نویسی باب شده است. تجربه‌های فرودستان جامعه به اشتراک گذاشته می‌شوند که تا پیش از این به حساب نمی‌آمدند و دیده نمی‌شدند. آنچه در این عرصه بیشتر به چشم می‌خورد و مطمح‌نظر پژوهشگران، نویسندگان و مراکز دولتی قرار گرفته است، طرح خاطراتی از افراد معمولی جامعه است که موضوع آن حول زندگی، محیط اجتماعی و شرایط تاریخی دور می‌زند و بیشتر با هدف اثرگذاری فرهنگی بر جامعه مخاطب، ثبت و ضبط می‌شود، البته بیان اظهارات این دسته، لزوماً به‌مثابه امر تاریخی نیست. در حال حاضر اغلب پژوهشگران در پی ثبت تاریخ نبوده، بلکه به دنبال دریافت مطالبی جذاب و گیرا برای ارائه به خوانندگان هستند و متن پیاده‌شده ناخودآگاه قالب داستانی به‌خود می‌گیرد. البته آثار جدی از سوی برخی نهادها مانند کنگره شهدا با هدف مستندسازی در سطح کشور، در حال گردآوری، تدوین و نگارش قرار دارند که با جمع‌آوری انواع اسناد، در پی آشکارا ساختن نقش سازمان رزمی سپاه و بسیج استان‌های مختلف در دوران هشت‌ساله دفاع مقدس هستند و برخی آن را با هدف ثبت و ضبط ابعاد واقعی جنگ در اشکال دانشنامه‌ای سامان می‌دهند. مقصود این گروه، تولید آثاری با کارکرد شناخت‌شناسانه از امر واقع و با هدف ثبت تاریخی است و بدین سبب بحث مخاطب‌شناسی در اولویت اول این مراکز قرار ندارد. در این میان، دسته‌ای از نویسندگان علاقه‌مند به ژانر تخیلی، به‌واسطه مخاطب‌شناسی، به‌نحوی آگاهانه قالبی ادبی و داستانی به خاطرات می‌دهند و حتی در اشکال رمان و با خلق دیالوگی خیالی میان مصاحبه‌شونده و فرد یا افراد حاضر در هر صحنه، دست به تولید آثاری می‌زنند



که این اتفاق در نام کتاب، عنوان مطالب، تبویب و فصل‌بندی متن نیز مشهود است. در این دست آثار، خود خاطره مدنظر است و مکان و زمان در حاشیه قرار دارند و به ضرورت عنوان می‌شوند که این را خاطره‌نویسی در قالب داستان یا رمان می‌گویند. با این حال، برخی دچار توهم بوده و کسی را که خاطره‌گیر شفاهی است، تاریخ‌شفاهی کار تلقی می‌کنند (کمری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶). نکته مهم در نسبت میان دارنده خاطره و گیرنده خاطره که مقولهٔ تدوین را از اهمیت ویژه برخوردار می‌سازد، ملاحظات مصاحبه‌شونده در بیان خاطراتش و عملکرد مصاحبه‌کننده در بهره‌برداری از شفاهیات راوی است که ذیل عنوان «تدوین از درون و بیرون» مطرح است و در نسبت میان تدوین و مصاحبه، به مسائل میان این دو می‌پردازد.

### تدوین از درون و بیرون

• تدوین از سوی راوی یا مصاحبه‌شونده: ابتدا می‌توان این سؤال را پیش کشید که الزامات تدوین در اذهان دو سوی یک دیالوگ چیست؟ این اتفاق از یک سو حاصل انگیزه‌های درونی شاهد شفاهی گو است (ساماران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۲ - ۱۵۳) که در این قسمت به آن پرداخته می‌شود. این وقوع (از آن به عمل چسب و قیچی یاد می‌شود که در ذهن مصاحبه‌شونده فعال می‌گردد) به‌صورت گزینش در محتوای خاطرات و پیش از شروع مصاحبه در ذهن فرد دارندهٔ خاطره رخ می‌نماید که انگیزه‌هایی چند از سوی او مانند خط قرمز بودن مورد خاطره یا مصلحت‌اندیشی‌ها به هر بهانه‌ای، موجبات این امر را فراهم می‌آورد. در واقع صاحب خاطره پیش از بیان خاطراتش آن‌ها را دسته‌بندی و در مورد اظهار هر یک سنگین و سبک می‌کند و در صورت نداشتن معاذیر احتمالی، تنها خاطرات بی‌حاشیه و مسئله را مطرح می‌نماید. این معاذیر، یا در ارتباط با شخص صاحب خاطره است یا به ارزش‌های مورد اجماع جامعه و افکار عمومی خدشه وارد می‌سازد. چنین الزاماتی بر بنیان شرایط تاریخی، فضای گفتمانی و نظام فکری حاکم بر دوره شکل گرفته است که تحت‌تأثیر شیوه‌های غالب فکرکردن در دوره موردنظر سنجش می‌شود و به اصطلاح «واقعیت‌های ناگفتنی» نام گرفته و از جمع خاطرات حذف می‌گردد. حتی بر پایهٔ چنین تفکری، گاه این مقدار هم کافی نبوده و مواقعی نه تنها صاحب خاطره در بیان سیر رخدادها، به بهانه‌های نسنجیده حق مطلب را ادا نمی‌کند، بلکه از جعل واقعیت نیز استفاده می‌نماید. در این‌طور مواقع تدوین‌کننده آگاه بایستی حین جمع‌آوری خاطره، با فرد صاحب خاطره گفت‌وگو کرده و دو عنصر «خط قرمزها» و «مصلحت‌اندیشی» را از دید او مشخص و دایره آن را معین نماید. نیک می‌دانید دو مورد یادشده، حاصل تفسیر آدمی از واقعیت و نوع دریافت از هستی و بر بنیان نظام ارزشی اوست که بسته به علائق، سلیقه‌ها، منافع و گرایش‌ات افراد با هم تفاوت می‌کند. از این‌رو تعامل میان دو نفری که می‌خواهند با هم همکاری داشته باشند، می‌تواند تأثیر مثبتی بر تولید متن



و رفع موانع در کار داشته باشد و باعث می‌شود تدوین پنهان از سوی مصاحبه‌شونده با دلایل واهی به حداقل‌ها کاهش یابد و بر کیفیت کار افزوده گردد.

نکته آخر اینکه پرسش از جانب مصاحبه‌گر امری بدیهی بوده و حق سؤال‌کننده است، این حق برای مصاحبه‌شونده نیز محفوظ است تا در صورت صلاحدید، به عللی از پاسخ طفره برود که این نیز از مصادیق تدوین اظهارات در ذهن صاحب‌خاطره است. اگر چه در مواقعی پژوهشگر مصاحبه‌کننده نیز به لحاظ اخلاقی موظف است به‌هنگام تدوین و نگارش کتاب، جهت حفظ آبروی افراد با این قید که به روند محتوای خاطره و مسائل اساسی آن لطمه‌ای وارد نشود، از بیان برخی مطالب خودداری ورزد؛ درحالی‌که مطلب حذف‌شده در صورت وجود آرشیو، باقی خواهد ماند.

● مراحل تدوین از سوی مصاحبه‌کننده یا تدوینگر نهائی: نخستین مرحله تدوین که فرایند تدوین از جانب مصاحبه‌گر از آنجا آغاز می‌شود، انتخاب موضوع و انتخاب فرد یا افراد مصاحبه‌شونده است. اما امر تدوین در معنای گردآوری و تنظیم متن را بایست فرایندی هم‌زمان با ثبت اظهارات فرد صاحب‌خاطره از سوی مصاحبه‌گر دانست که از ابتدای کار و در ارتباطی مستمر از سوی مصاحبه‌کننده، تدوینگر و مصاحبه‌شونده دنبال می‌شود و مراد از تدوین استعمالی معمول نزد نویسندگان، همین تدوین است. اساساً باید دانست تفکیک مواردی چون مصاحبه، تدوین و نگارش که با هم پیوستگی دارند، بیشتر انتزاعی‌اند؛ اما از آنجایی که انسان دارای قریحه ذاتی در امور انتزاعی است، با هدف تبیین و روشنگری در عالم نظر، آن‌ها را از هم جدا و به ویژگی‌های هریک می‌پردازد. بنابراین فرایند تدوین از شروع مصاحبه آغاز شده است.

مراحل تدوین شامل گردآوری، پالایش، چینش و کنار هم قراردادن روایت‌های مرتبط است که کار اولیه نگارش را هموار می‌کند. از سویی، با دسته‌بندی روایات مرتبط و داخل در یک موضوع، کار تبویب مطالب و فصل‌بندی به همراه عنوان‌های مناسب، با هدف تفکیک موضوعات از هم انجام می‌شود. این مهم بر پایه مضامین و محتوای مطالب صورت می‌گیرد و سبک نگارش یا ظرف براساس ماهیت مظهر و یا همان محتوا، از سوی تدوینگر تعیین می‌شود. حال چنان که متن پیاده‌شده از میانه راه به فرد دیگری برای تدوین تحویل گردد، آن‌گاه این تدوینگر است که ادامه راه یادشده را با رعایت شرایطی به انجام خواهد رساند.

با طی شدن مراحلی که گفته شد، تدوینگر مصاحبه‌های پیاده‌شده را یکی‌یکی مرور کرده و اگر نیاز باشد، سؤالات باقی‌مانده را طی جلساتی که با مصاحبه‌شونده برگزار می‌شود، مطرح کرده و پاسخ آن‌ها را دریافت می‌نماید. در این میان امکان دارد توضیحات دارنده یاد و خاطره احتیاج به گویاسازی داشته باشد، مثلاً نام مکان‌ها، قید زمان یا موقعیت‌ها، اشخاص و رویدادهای تاریخی که در مطالب صاحب‌خاطره آمده، اگر نیازمند توضیحاتی برای گویاسازی باشد، اقدام در این باب ضروری است که باید در پانویس بیاید. این امر نیازمند پژوهشی جداگانه از سوی تدوینگر است و مصاحبه‌شونده در





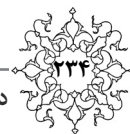
این مورد تعهدی ندارد. همچنین در حین مصاحبه، فرد مصاحبه‌شونده بیشتر درگیر طرح خاطرات و بیان یادبوده‌های ذهنی خویش است و ممکن است توجه لازم به زمینه تاریخی و اجتماعی دوره موردبحث را نداشته باشد. بنابراین تدوین‌کننده برای طرح سؤالات دقیق‌تر از صاحب‌خاطره و بیان این زمینه‌ها در لابه‌لای متن در حال نگارش، بایست دست به پژوهش‌های لازم بزند. مرحله‌ای از تدوین که تا اینجا مطرح شد به چارچوب کلی و پلان اثر، ژانرهای نگارش، ضرورت پژوهش، توجه به تدوین پنهان<sup>۱</sup> از جانب مصاحبه‌شونده که از اقتضات دریافت این‌گونه خاطرات است، به‌عنوان بخشی از فرایند تدوین پرداخت. می‌توان گفت مرحله‌ای دیگر از تدوین در ذیل ویراستاری قرار می‌گیرد و حاوی فنون ناظر بر نگاشتن مستقیم متن است که بخشی از استخوان‌بندی و ساخت متن را سامان خواهد داد که در ذیل اشاراتی به آن خواهد شد.

### اهم فنون تدوین حین نگارش اثر

موارد پیش‌رو از مهم‌ترین فنون تدوین به‌هنگام بازنویسی متن است که نویسندگان می‌توانند برای ارتقاء کیفی سطح اثر از آن بهره ببرند. نخست تندوکند کردن کلام با هدف تغییر ضرب‌آهنگ جملات که متن را در پاراگراف‌ها دچار فراز و فرود کرده و بر جذابیت آن اثر می‌گذارد. این ابزار برای درک لحظه‌های حساس در دو جهت مثبت و منفی، راه اغراق‌گویی پیموده و به القای مطلب باری می‌رساند. همچنین قراردادن جملات وصفی در میان جملات خبری که افزون بر دادن خبر واقعه، به توصیف فضای خاطره می‌انجامد، منظور از فضا در اینجا توجه به سه عنصر انسان، مکان و زمان در کنار عنصر اساسی پویایی اجتماعی است که تکاپوهای انسانی و عناصر انگیزشی آن را نشانه می‌رود. بنابراین علاوه بر خبر واقعه، به وصف واقعه یا زمینه‌های شکل‌گیری رخداد قبل از وقوع آن مبادرت می‌ورزد.

یکی دیگر از این تکنیک‌ها، فنّ گزیده‌نویسی است که با ايجاز و کاربرد کمترین کلمات، بیشترین انتقال معنا صورت می‌پذیرد و نیز در صورت لزوم، مطالب یا کلمات اضافه که به مسیر بازگویی داستان واقعه کمکی نمی‌کند، از طریق سازوکار حذف، اصلاح می‌شود. انتخاب لحن و اعمال آن در صورت مهر و لطافت یا غضب و خشونت و امثال آن نیز بر قدرت متن در بیان حس و حال رویدادها و مسائل پیرامونی آن، اثر به‌سزایی دارد که باید مناسب حال وقایع و شخصیت‌های آن باشد. برخی معتقدند این انتخاب باید به‌گونه‌ای باشد که نویسنده حضور مستقیم خود را از نثر بیرون بکشد و با در پیش گرفتن لحنی مناسب با فضا، موقعیت، شخصیت و داستان، به نثری تصویری دست یابد (فتاحی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۴). مجموعه فنونی که به‌صورتی موجز و گذرا در اینجا آمد و مواردی از این دست را می‌توان به تفصیل در آثار اهل‌خبره جست‌وجو کرد که هر یک دارای توضیحات مفصّلی بوده و مستلزم ظرافت به‌هنگام عمل نویسندگی، تدوین و نگارش است.

۱. برای اطلاعات بیشتر، به جلد چهارم از مجلد دوم کتاب روش‌های پژوهش در تاریخ، اثر شارل ساماران مراجعه گردد.



از این رو وجود فنون تدوین و شیوه‌های تنظیم، تبویب و نگارش متن یک قضیه و کاربرد آن توسط افراد مختلف، قضیه‌ای دیگر است که بخشی از آن به قریحه ذاتی و برخی به میزان مهارت و توانمندی افراد بستگی دارد.

### تدوین، تدوینگر و قواعد کلی کار

در این میان شخص نویسنده و میزان تجربه او در شیوه تدوین و نگارش، قابل انکار نیست. درست است که در تدوین، معیارها و مشترکات عمومی وجود دارد و در ذیل قواعد عمومی آن تکنیک‌ها و الزامات فنی یکسانی دیده می‌شود؛ با این وصف همچنان که میان دو منتقد نسبت به یک پدیده نگاه‌های مختلفی برای نقد کردن وجود دارد، در امر تدوین نیز بسته به گرایش‌ها و سلیقه‌ها و نیز میزان اعتقاد یا وابستگی مثلاً به حوزه واقعیت یا تخیل، تاریخ یا ادبیات و ارائه گزارش ملال آور خبر یا دادن خبر همراه با حس و حال فضای صحنه یا واقعه، تفاوت‌هایی بین دو تدوینگر وجود دارد و این موارد تفاوت کار تدوین را نمایان می‌سازد.

مثال دوگانگی بالا که گفته آمد، دو گونه کار متفاوت میان دو نفر را نشان می‌دهد که در نحوه تدوین اثر گذاشته و از آن یک فرایند خصوصی ساخته است. پس به عبارتی تدوین امری فردی است، چنان که قدما می‌گفتند: «المعنی فی بطن شاعر». متن تاریخی یا ادبی و داستانی و ... هم در عین حال یک فعالیت هنری است. بنابراین یک اتفاق هنری مانند تدوین، سامان دادن و تهیه خاطرات اشخاص در هر ژانری، فردی می‌شود، در غیر این صورت لزوماً در ابتدای امر تدوین به طور کلی شرایط یکسانی حاکم است و تفاوتی وجود ندارد و تفاوت در مرحله بعد است. از این بابت، پدیده تدوین یک مسئله شبه‌علمی و علمی شده است، زیرا با وجود ساختار علمی سخت، مقوله تدوین قائم به افق دید و کار کارشناسی مدون کننده است. در واقع به رغم اینکه معیارها و کلیاتی در تدوین وجود دارد، ولی تمام این‌ها در عین حال مستلزم یک فهم و یک تجربه و تلاش علمی است تا اصول و قاعده آن به دست بیاید. جدای از آن، این نکته را هم باید لحاظ کرد که توانایی‌های فردی تدوینگران نیز که قائم به شخص آنان است، بسیار مؤثر است. لذا دو فرد تدوینگر هیچ‌وقت مثل هم نگاه نمی‌کنند و نتیجه کارشان به یک‌گونه نخواهد بود.

### نتیجه‌گیری:

مقوله تدوین فنون درهم تنیده‌ای است که الزامات فنی ویژه خود را در هر مرحله دارد. تدوین در ذهن مصاحبه‌شونده به لحاظ دو عامل مصلحت‌اندیشی خود و قرارداد اجتماعی مبنی بر خط قرمزهای موجود به اشکال حذف کلی، جزئی یا جعل واقعیت بروز می‌یابد. این قضیه در مورد تدوینگر نیز می‌تواند مصداق یابد که ناشی از امور انگیزشی است. در واقع این مرحله را باید



«پیش‌تدوین» نامید. تدوین در حوزه نگارش و به‌مثابه فن در اشکال ترکیب، تفکیک و حذف داده‌ها، به برش قطعه‌ها یا ادغام آن‌ها برای سرهم‌کردن قطعه‌ها و اتصال متون هم‌موضوع می‌پردازد که این اقدام در نهایت اسباب تبویب موضوعات یک متن را فراهم می‌آورد. پیش‌مقدمه این مرحله، دسته‌بندی و پالایش داده‌ها و در وهله بعد گزینش و چینش آن است تا تدوین‌کننده بتواند در برابر انبوهی از داده‌ها و اطلاعات، روایت‌های هم‌سو را کنار هم قرار داده و با اولویت‌بندی اطلاعات، ادامه راه را هموار گرداند؛ این مرحله «تدوین‌اولیه» است.

مرحله‌ای دیگر از تدوین که دقت ویژه تدوینگر را می‌طلبد، مطالعه محتوای متن پیاده‌شده به همراه گوش‌دادن به صوت مصاحبه برای شناسایی اجزاء و عناصر کلامی و غیر کلامی درون متنی جهت ایجاد تعادل میان آن‌ها به هنگام بازنویسی متن نهائی است. این مرحله از تدوین، «تدوین‌میانی» نام دارد. بالاخره تدوین در معنای تکنیک‌ها و فنون بازنویسی، شامل ضرب‌آهنگ، اغراق‌نویسی، گزیده‌نویسی، انتخاب لحن، حذف، گزارش خبر به‌همراه توصیف و فضاسازی و امثال آن، به‌عنوان «تدوین تحریر» یا همان تدوین نهائی در این نوشتار تلقی می‌گردد.

### منابع:

- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۳. تهران: سخن.
- تامپسون، روی (۱۳۸۶). الفبای تدوین، ترجمه محمد گذرآبادی. تهران: ساقی.
- تهرانی، محمدعلی (۱۳۷۳). فرهنگ کاتوزیان. قم: یلدا.
- دوبلگ، کریستوفر (۱۳۹۵). تراژدی تنهایی، ترجمه به‌رنگ رجبی. تهران: چشمه.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمد (بی‌تا). فرهنگ غیاث‌اللغات، جلد ۱. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: کانون معرفت.
- ساماران، شارل (۱۳۸۹). روش‌های پژوهش در تاریخ. گروه مترجمان. مشهد: آستان قدس رضوی.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۴۳). فرهنگ امیرکبیر. انتشارات امیرکبیر.
- فتاحی، حسین (۱۳۸۶). داستان. گام به گام. تهران: صریر.
- کاموس، مهدی (۱۳۹۱). مبانی زندگی‌نامه داستانی. تهران: شاهد.
- کمری، علیرضا (۱۳۹۴). پرسمان یاد. تهران: صریر.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: زرین.

